محبوب معظّم حضرت اسم اللّه زین علیه من کلّ بهآء ابهاه بلحاظ انور ملاحظه فرمایند

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

الحمد للّه الّذی ظهر بالحکمة و اظهر امره بالحکمة و امر الکلّ بالحکمة و جعل النّصر فی البیان و الحکمة تعالی مولی الحکمة و مظهر الحکمة الّذی جعلها احدّ من السّیوف و اهزّ من الرّماح و انفذ من السّهام الحمد للّه الّذی اذا استوی علی العرش فی الحدیقة الموسومة بالرّضوان نطق بثلاثة آیات محکمات من اوّلها رفع حکم السّیف و وضع مقامه الذّکر و البیان و بثانیها تجلّی بکلّ الأسمآء علی کلّ الأشیآء تعالی فاطر السّمآء الّذی نطق بما انجذبت به الأرض و من علیها الّا الّذین اخذوا ما عندهم و نبذوا ما عند اللّه مالک الأنام اصلّی و اسلّم و اکبّر علی الّذین عملوا بما امروا و اتّبعوا ما انزله اللّه فی الزّبر و الألواح روحی لذکرکم الفدآء قد فاز الخادم بما لاح و اشرق من افق قلمکم الّذی لم یتحرّک الّا علی ذکر اللّه و ثنائه و اظهار امره و اعلآء کلمته فلمّا انار قلبی من ذلک النّور اللّائح قصدت مقرّ العرش فلمّا حضرت عرضت ما فی کتابکم اذاً نطق لسان العظمة فی ملکوت البیان و انّه لهو البرهان لمن فی الامکان قوله عزّ کبریائه

بسمی المظلوم

یا اسمی ان استعدّ لاصغآء ندآء ربّک انّ القیّوم یذکرک بأعلی الذّکر و المحبوب ینادیک بأحلی النّدآء و المذکور یذکرک بأبهی الأذکار و المقصود توجّه الیک بوجهه الباقی بعد فنآء الأشیآء تعالی مولی الأسمآء الّذی اذا استوی علی العرش نطق بکلمة اهتزّت بها الأرض و ما فیها الّا کلّ غافل تمسّک بصنم من الأصنام قل یا ملأ الایران قد اتی الرّحمن لیقرّبکم و یعرّفکم ما ینبغی للانسان انتم اعرضتم و کفرتم الی ان افتیتم علی الّذی به قرّت عیون السّفرآء الّذین ارسلهم اللّه الی العباد قل انّه امرکم بالمعروف و انتم اخذتم المنکر و ظهر منکم ما ناحت به الأشجار قل تاللّه قد اتی مکلّم الطّور انّه هو الّذی وعدتم به فی الزّبر و الألواح قل ایّاکم ان تمنعکم شؤوناتکم عن اللّه ربّ الأرباب دعوا ما عندکم و تمسّکوا بما نطق به امّ الکتاب امام الوجوه امراً من لدی اللّه المقتدر المختار یا زین کبّر من قبلی علی وجوه احبّائی الّذین نبذوا سوائی و شربوا رحیق رحمتی من ید عطائی ثمّ أمرهم بما نزّل من سمآء مشیّتی و ملکوت ارادتی انّ ربّک لهو العزیز الوهّاب انّا وصّیناهم بالحکمة و بما یرتفع به مقاماتهم فی الامکان قل کونوا امنآء اللّه فی الأرض و اعلام الذّکر بین الأنام عاشروا مع العباد بالرّوح و الرّیحان علی شأن لا یحزن منکم قلب احد و لا تضطرب افئدة الّذین خلقهم اللّه بأمر من عنده انّه لهو العزیز الغفّار

یا احبّائی فی الحدبآء و فی دیار اخری لعمر اللّه انّ القلم الأعلی توجّه الیکم و یذکرکم بأبهی الأذکار و یظهر لکم لآلئ قلزم حکمة ربّکم مالک الأیّام طوبی لمن جعل اللّه له نصیباً فیما ظهر من عمّان فضله الّذی سبق من فی الأرضین و السّموات البهآء علیک و علیهم و علی الّذین عرفوا حکم المبدإ و المآب یا زین انشآءاللّه بعنایت الهی منیر و روشن باشی الحمد للّه در خدمت امر و انتشار آثار الهی غفلت ننمودی این مقام بسیار عظیمست ان اشکر ربّک العلیم یا زین‌المقرّبین جمیع عباد را بافق اعلی دعوت نمودیم و بدریای دانائی الهی هدایت فرمودیم و همچنین جمیع را بنصرت امر امر کردیم و نصرتی که در کلمات الهی نازل شده بأظهر البیان ذکر نمودیم مع‌ذلک مشاهده میشود بعضی از معنی نصرت و ما اراد به اللّه غافلند یعنی اطّلاع نیافته‌اند صدهزار افسوس که اهل بها الی حین آگاه نیستند بعضی نصرت را بهواهای خود معنی نموده و مینمایند مع آنکه از قلم اعلی لاتحصی این کلمهٴ ابهی نازل نصرت امر الهی بحکمت و بیان بوده نه بایذا و فساد جمیع را از نزاع و فساد منع نمودیم مع‌ذلک ممنوع نشدند چه که از مقصود آگاه نیستند و نفوسی هم که للّه قیام نمایند و ناس را متذکّر دارند کمیاب بوده و هست لذا اکثری در اوهام خود مانده‌اند اهل نون و جیم را باوامر الهی اخبار نما حقّ آنچه را بیان میفرماید باید جمیع بآن متمسّک باشند و ارادة اللّه را بر ارادهٴ خود مقدّم دارند و مشیّة اللّه را بر مشیّت خود مهیمن و غالب دانند وقتی حقّ جلّ جلاله بیک کلمه عالم را منقلب و مقهور نماید هر نفسی بقرائت سورهٴ رئیس و امثال آن فائز شد بر قدرت الهی فی‌الجمله آگاه میشود و وقتی نفس حقّ را اذیّت مینمایند و حقّ ساکن و صابر ملاحظه میگردد جمیع امورات بر وفق حکمت جاری میشود ولکن چون عباد مطّلع نیستند لذا گاهی راضی و گاهی شاکی ملاحظه میگردند در این ظهور اعظم حکم سیف و فساد و نزاع و جدال و امثال آن نهی شده نهیاً عظیماً فی الکتاب اگر نفسی الیوم سوء قصدی از او در بارهٴ مظلوم ظاهر شود البتّه متعرّض او نشویم در این ظهور دریای شفقت موّاج و بحر فضل مشهود و آفتاب جود مشرق بعضی از دوستان در ارض نون و جیم از این مراتب اطّلاع ندارند از قبل حقّ بایشان تکبیر برسان و معنی نصرت را تا کل بآنچه لدی اللّه محبوبست مطّلع شوند اگرچه از اعمال ظالمین قلوب احبّا مجروحست قد ارتکب الرّقشآء و الذّئب ما ناح به الرّسول فی الفردوس الأعلی و البتول فی الجنّة العلیا و القلم الأعلی فی هذا المقام الأبهی ولکن اطاعت امر اللّه و تسلیم در اوامرش لازم و واجبست باید جمیع آذان و ابصار مترصّد باشد تا از افق امر چه ظاهر گردد و از لسان عظمت چه امر صادر و اگر نفسی بغیر ما اراد اللّه و ما امر به فی ظاهر الظّاهر ارتکاب امری نماید ضرّش بنفس حقّ راجع است اگر نفسی الیوم بیکی از اعدای الهی تعرّض نماید و یا اذیّت کند حقّ را نصرت ننموده و از ناصرین در کتاب محسوب نمیشود چه که مخالفت امر اللّه نموده و همچنین سبب ضرّ حقّ و دوستان او شده جمیع امور بتصدیق و قبول حقّ منوط و مشروط ضعوا یا احبّائی ما شئتم و اردتم و خذوا ما امرتم به من لدی اللّه المهیمن القیّوم توکّلوا علی اللّه فیما ورد علیکم و تمسّکوا بالصّبر و الاصطبار هذا خیر لکم یشهد بذلک کتابه الحکیم انتهی چندی قبل در جواب یکی از دوستان که بگمان خود قصد نصرت نمود که فی‌الحقیقه سبب تضییع امر بود این کلمات عالیات از مشرق ارادهٴ مالک اسماء و صفات نازل و ارسال شد قوله عزّ کبریائه ایّاک ایّاک ان تعمل ما کتبته فی آخر کتابک این اعمال اعمال جهلاست و افعال غافلین قسم باسم اعظم که اگر نفسی از دوستان اذیّت بنفسی وارد آورد بمثابهٴ آنست که بنفس حقّ وارد آورده نزاع و جدال و فساد و قتل و امثال آن در کتاب الهی نهی شده نهیاً عظیماً تب الی اللّه عمّا قصدته فی نفسک ثمّ ارجع الیه و قل

یا الهی اسألک بالکلمة العلیا بأن تکتب لی کلمة الغفران لأنّی اردت فی نفسی ما لا اردته و نهیته فی کتابک اسألک بأن تکفّر عنّی سیّئاتی و تغمّسنی فی بحر غفرانک انّک انت الغفور الکریم

هر ظلمی که از ظالمی ظاهر شد او را بنفس حقّ واگذارید ید عدل الهی مهیمن و محیط است احتیاج بفساد و نزاع و جدال و قتل و غارت نداشته و ندارد نصرت امر ببیان بوده و خواهد بود و دون آن از هواهای نفسانیّه ظاهر شده و میشود اعاذنا اللّه و ایّاکم یا معشر المقبلین انتهی و امثال این کلمات عالیات در این ایّام بسیار نازل که شاید جمیع دوستان بر ارادهٴ الهی مطّلع شوند و ارتکاب ننمایند امری را که سبب تضییع امر اللّه و ضرّ اولیا و اصفیا گردد انّه یعلم و یحکم و هو الحقّ علّام الغیوب

در باب من صعد الی الرّفیق الأعلی و ما بقی منه مرقوم داشتید این مراتب در ساحت اقدس عرض شد فرمودند ما قبول نمودیم و بجناب زین عنایت فرمودیم یفعل فیه ما یشآء و همچنین فرمودند وجه منیر علیه بهائی و نوری آن را هم بجناب زین واگذاشتیم هر دو فقره بطراز قبول فائز و بآن جناب راجع الأمر بیده و هو الآمر الحکیم

اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد حسین ذکر نمودید ذکر ایشان از قبل در ساحت اقدس مذکور و لوح اعزّ امنع مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل مع الواح ارض ه‌م که از طرف ارض قاف ارسال شد ارسال شده انشآءاللّه بآن فائز شوند و مجدّد هم ذکرشان در ساحت اقدس معروض و شمس عنایت از افق فضل مشرق و لائح انشآءاللّه باین بشارت هم فائز شوند

و همچنین ذکر جناب آقا عبدالوهّاب هم در ساحت اقدس اعلی معروض گشت هذا ما نطق به لسان الرّحمن فی ملکوت البیان

هو الأعظم

یا وهّاب یذکرک المظلوم الّذی نطق بما امر به من لدی اللّه ربّ العالمین قد انار العالم من نیّر الظّهور ولکنّ القوم اکثرهم من الغافلین منهم من سمع و انکر و منهم من رأی و اعرض و منهم من اقبل الی اللّه بیقین مبین طوبی لقلب فاز بالاقبال و لعین رأت افقه المنیر تمسّک بحبل الأمر علی شأن لا تمنعک اشارات المشرکین ان اعمل ما امرت به فی کتاب اللّه انّه یؤیّدک و یکون معک انّ ربّک لهو العلیم الخبیر

هو الأقدس

انّا نذکر من سمّی بالألف و القاف (آقا جان) لیسمع ما سمعته آذان المقرّبین الّذین نبذوا العالم و اقبلوا الی مالک القدم بیقین مبین اولئک عباد ما منعتهم السّیوف و ما خوّفتهم السّهام فی هذا الأمر المبرم الحکیم انّک اذا فزت بکتاب ربّک خذه بقوّة من لدی اللّه القویّ القدیر هذا یوم فیه ظهرت الأثمار و برزت الأسرار ولکنّ القوم اکثرهم من الغافلین هذا یوم الجزآء ولکنّ النّاس اکثرهم من المعرضین طوبی لمن اقبل الی اللّه اذ ارتفع النّدآء من مقامه الکریم البهآء المشرق من افق الفضل علی الّذین آمنوا باللّه العزیز العظیم انتهی

و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد جواد علیه بهآء اللّه مرقوم داشته بودند هذا ما نطق به لسان العظمة

هو النّاطق بالحقّ

یا محمّد قبل جواد انّا قد نری الأمرین فی السّرّین الأظهرین مرّة ذکرنا ارض الصّاد بما افترّ به ثغر العالم و اخری بما ناح به مولی الأمم فانظر فی رحمة اللّه و فضله و فیما ارتکبت الرّقشآء انّ ربّک لهو العلیم الخبیر یا ارض الصّاد نوصیک فی امانات اللّه و اصفیائه کذلک وصّیناک من قبل اذ یتحرّک و ینوح قلمی الأعلی علی ما ورد علی الأمر من الّذین ظلموا و انکروا حقّ اللّه اذ اتی بسلطان مبین قل یا احبّائی قد اخذتکم الأحزان بما ورد علیکم ان افرحوا الیوم بما توجّه الیکم وجه القدم من افقه الأعلی و یذکرکم بما انجذبت به افئدة المخلصین کذلک نطق لسانی فی ملکوت بیانی فضلاً من عندی و انا الفضّال الکریم البهآء علیک و علی احبّائی الّذین هاجروا فی سبیلی و حملوا الشّدائد فی حبّی و علی کلّ موقن مستقیم انتهی

و در بارهٴ آن دو امه که مرقوم فرموده بودید بما اکتسبتا در ساحت اقدس عرض شد جواب از مطلع امر صادر نشد و بعرض مطلب آخر امر فرمودند لذا این عبد متحیّر که آیا از بعد بکلمهٴ غفران فائز شوند یا نه الأمر بید اللّه المقتدر القدیر

در فقرهٴ ضلع مرفوع جناب آقا سیّد علی علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید عرض شد قال عزّ کبریائه انّه فاز بالغفران انّا ذکرناه من قبل بذکر جمیل حال از کدورات دنیای غبارآلوده فارغ و بکمال روح و ریحان در رفیق اعلی سایر و ساکن علیه بهآء اللّه و رحمته و ثنآء اللّه و ذکره انتهی

و همچنین در بارهٴ کربلائی آقا جان این آیات بیّنات از سماء عنایت نازل قوله عزّ کبریائه

بسمی الذّاکر و المذکور

یا حرف القاف بین الألفین ان استمع ندآء مجمع البحرین من هذین الاسمین الأعلیین اللّذین اذا ظهرا انفطرت السّمآء و انشقّت الأرض و ارتفعت الصّیحة بالحقّ و تزلزل کلّ قائم مستقیم بهما ظهر القائم و بشّر النّاس بالقیّوم الّذی اذا ظهر هدرت الأطیار علی الأشجار قد اتی اللّه بأمر لا یقوم معه جنود الأرض کلّها کذلک نطق لسان العظمة فی سجنه العظیم قل باسمی ظهر ملکوت الأسمآء و بندائی ارتفع النّدآء من مطلع الکبریآء و بأمری انصعق من فی السّموات و الأرضین الّا من حفظناه و انقذناه و نجّیناه و انا المقتدر علی ما اشآء و انا القدیر کذلک صفّت جنود الوحی علی هیئة الکلمات فی هذه الأسطر الّتی ظهرت فی هذا اللّوح المنیر انّک اذا فزت بکتابی ان افرح و قل لک الحمد یا مقصود العالمین آنچه در ارض صاد از اموال بغارت بردند و از هر قطرهٴ خونی که در آن ارض بغیر حقّ چکید خلق لایحصی از ارض رفته و میرود و کذلک اموال حقّ را نوم اخذ نکرده و نمیکند بیدار و آگاهست و البتّه ظالمین بثمرات اعمال خود معذّب خواهند شد از ظهور یک عمل از اعمال رقشآء عبیداللّه ثانی ظاهر شده و ارتکاب نمود آنچه را که عبیداللّه اوّل از آن اجتناب نموده الا لعنة اللّه علی القوم الظّالمین بی سبب و اثر هیچ امری ظاهر نشده و نمیشود تفکّر نما چه مقدار از نفوس از میان رفت و چه مقدار از بلاد و دیار که بتراب راجع و الیوم قاعاً صفصفا مشاهده میشوند قسمت امروز اینست و از بعد حقّ عالم است که چه واقع شود گمان نکنید که احبّا هم در این میان از سیوف ظالمان کشته شده‌اند قسم بآفتاب ملکوت صدق که هر نفسی از دوستان الهی که در آن واقعه شربت شهادت آشامید برفیق اعلی صعود نمود و در ظلّ قباب رحمت الهی ساکن و مستریح گشت اگر آن مقامات بقدر سمّ ابره تجلّی نماید کل بندای یا لیتنی کنت معه ناطق میگردند و هر نفسی از دوستان که خسارت ظاهره بر او واقع شده آن ربح کامل بوده و هست اهل بها در ربح عظیم بوده و هستند اگر در یومی از ایّام و وقتی از اوقات نظر بمقتضیات حکمت الهیّه خسارتی واقع شود نباید از او محزون بود البتّه حقّ او را بطراز ربح اعظم مزیّن فرماید انّه لهو الحقّ المقتدر العلیم الحکیم انتهی

اینکه مرقوم داشته بودید که جناب آقا عزیزاللّه از ارض خاء خواهش نموده که آن جناب ذکر ایشان را در ساحت اقدس معروض دارند و از برای دوستان ارض خاء جناب ملّا علی و آقا میرزا کاظم و آقا خداداد و آقا شاه‌وردی و سایر علیهم بهآء اللّه طلب عنایت نمایند جمیع در ساحت اقدس عرض شد در این ایّام مخصوص هر یک از سماء مشیّت لوح امنع اقدس نازل و همچنین آیات بدیعهٴ منیعه در بارهٴ احبّای ارض خاء از قلم اعلی جاری حال دو پوسته مخصوص ارض خاء رفته و در این هفته هم خواهد رفت و همچنین هفتهٴ بعد یا بعد بعد بلی از قبل مدّتها تأخیر شد حکمة من عنده و هو العلیم الخبیر فرمودند جناب زین بشارت الواح و ما نزّل لهم را بایشان بدهند

عرض دیگر آنکه در بارهٴ آن دو امه که بعد از عرض باظهار عنایت فائز نشدند در این حین لسان رحمن باین بیان ناطق یا عبد الحاضر بجناب زین وقتی اظهار داشتیم که اگر از اشقی النّاس شفاعت نماید قبول نمائیم لذا عفو الهی شامل حال ایشان شد انّه لهو الغفور الکریم انتهی عرض میشود که فی‌الحقیقه عملشان بسیار منکر بوده محض عنایت بآن حضرت کلمهٴ غفران از فم فضل رحمن استماع شد له الحمد و المنّة

عرض دیگر آنکه فرمودند بجناب زین بنویس که بسیار حکمت را منظور کند قوّت اسلام رو بضعف نهاده این نبوده و نیست مگر از غفلت غافلین و ظلم ظالمین احدی در تدارک آن برنیامده و سهل است علّت ضعف را هم نفهمیده‌اند بخیال خود حمیّت جاهلیّه و تعصّبات لایسمنهٴ لایغنیه را زیاد نموده‌اند لذا باید بسیار ملاحظه نمود بعضی از نفوس را باسم دوستی و محبّت و اقبال داخل مینمایند تا بر امر مطّلع شوند در هر حال مفتّش گذاشته و میگذارند حکمت را جمیع دوستان ملاحظه نمایند هر قائلی را تصدیق نکنند و هر مقبلی را قبول ننمایند و از هر واردی مطمئن نباشند و بر هر مدّاحی کشف نکنند کذلک یعظ المظلوم احبّائه و اولیائه عنایةً من عنده انتهی در این فقرات بسیار باید ملاحظه نمود اگر بنظر انصاف ملاحظه نمایند و طرف حقّ را منظور دارند جمیع بخضوع تمام باین امر امنع اقدام کنند ولکن چون بپر هوی طائرند و بنظر اعتساف ناظر لذا ستر آیات و علامات اولی و انسب حال درد را میدانند چه که می‌بینند ولکن از طبیب و درمان غافلند عدل محض را ظلم دانسته‌اند و خیر محض را شرّ کذلک سوّلت لهم انفسهم و هم لا یشعرون

ذکر جناب ملّا علی اکبر علیه بهآء اللّه الأبهی در ساحت اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة یا علیّ قبل اکبر مکلّم طور در این ظهور باین کلمه ناطق لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم و شمس این کلمه از قبل از افق سماء لوح الهی اشراق فرمود طوبی للعارفین یا علی جمیع را آگاه نما تا کلّ معنی کلمهٴ نصرت که در کتاب الهی از سماء مشیّت نازل شده بیابند و ادراک نمایند فساد را اصلاح ندانند و قتل و غارت را از شئونات نصرت نشمرند نصرت ببیان و ما انزله الرّحمن فی الکتاب بوده در جمیع احوال کمال جهد را مبذول دارید تا روایح اختلاف بالمرّه مقطوع شود و آفتاب الفت و اتّحاد از آفاق قلوب اشراق نماید انشآءاللّه ثمر این امر ظاهر شود و اثر آن بجدّ و اجتهاد باهر گردد یا زین در این ایّام مخصوص جناب مذکور لوح ابدع امنع نازل و ارسال شد انشآءاللّه مطلع ما یحبّ و یرضی واقع شوند و بشهادت حقیقی در یوم الهی فائز گردند بشّره من قبلی و اذکر له ما نطق به لسانی فی ملکوت بیانی انتهی

اینکه در بارهٴ جناب حاجی کاظم و میرزا حسن و آقا علی علیهم بهآء اللّه مرقوم داشتید عرض شد هذا ما نطق به لسان الرّحمن

هو الأقدس

یا کاظم قد حضر ذکرک لدی المظلوم و نزّل لک هذا اللّوح المحکم المنیع قد ذکرناک من قبل و نذکرک فی هذا الحین فضلاً من لدن علیم حکیم لا تحزن من شیء ان افرح بما یذکرک القلم الأعلی من هذا المقام الرّفیع الیوم باید هر نفسی بخدمت امر مشغول شود و خدمت امر و نصرت امر تبلیغ بوده و خواهد بود و هم‌چنین اتّحاد و اتّفاق احباب و مراعات و مدارای با هم یا کاظم تمسّک بما اراده اللّه انّه خیر لک عمّا اردته انّ ربّک لهو الحاکم الخبیر انشآءاللّه باستقامت کبری بخدمت امر اللّه مشغول باشی الیوم این خدمت مقدّم است بر کلّ اعمال کذلک یأمرک من عنده کتاب مبین یا کاظم انّا نذکر الکاظم الّذی استشهد فی سبیلی و فدی نفسه لحبّی لعمر اللّه قد فاز بمقام عجزت عن ذکره السن العارفین

هو الأعظم الأبهی

یا حسن قد ورد علی هذا الاسم ما ناح به الحسین فی ملکوت الأعلی و ذرفت عیون اهل الفردوس ولکنّ الظّالمین فی فرح مبین سوف تأخذهم نفحات العذاب من لدی اللّه ربّ العالمین طوبی لزائر زاره و لقاصد قصد رمسه الشّریف انّا نذکره و اخاه فضلاً من عندنا و انا الذّاکر العلیم انشآءاللّه بعنایت الهی فائز باشی و به ما اراده اللّه عامل توجّه باین ارض نظر بانقلاب این ممالک محبوب نه متوکّلاً علی اللّه در اراضی ایران بذکر محبوب امکان مشغول باشید انّه یکتب لمن تمسّک بالمعروف اجر الفائزین البهآء علی من سمع ندائی و عمل بما امر به من عندی

بنام یکتا خداوند دانا

یا علی اسمی زین علیه بهائی تو را ذکر نمود و قلم اعلی از این مقام ابهی بتو توجّه فرمود که شاید از نار محبّت الهی مشتعل شوی بشأنی که از اراده و مشیّت و خواهش خود آزاد گردی و بارادهٴ حقّ تمسّک نمائی بکمال روح و ریحان بذکر مقصود عالمیان مشغول باش توجّه باین اراضی از حکمت خارج است هر نفسی با حقّ باشد حقّ با او خواهد بود اینست یکتا لؤلؤ دریای عرفان قولی من قبل کن لی لأکون لک کذلک نطق اللّسان فی ملکوت البیان طوبی لمن سمع و شکر

هو الأعظم الأقدم

یا علی قبل اکبر ایّاک ان تمنعک ارادتک عن ارادة اللّه المقتدر العزیز العلّام انّه یعلم و یحکم و یری و یذکر انّ ربّک لهو السّمیع البصّار کن فانیاً عند ظهورات امره و راضیاً بما حکم اللّه فی الکتاب لک ان تتحرّک بارادتی و تمشی علی صراطی کذلک یعلّمک منزل الآیات ان اشکر اللّه بما انزل لک هذه الآیات الّتی بها انارت الآفاق لعمر اللّه لا یعادل بکلمة منها ما خلق فی الأرض یشهد بذلک من نطق انّه لا اله الّا انا الواحد المختار انتهی

و اینکه مطالب جناب ملّا علیجان علیه بهآء اللّه را ذکر فرمودید انشآءاللّه از بعد آنچه در این مقامات نازل شد مع دو ورقهٴ سؤالات که از کتاب اقدس و کتاب مناجات نموده بودید ارسال میشود حال این عبد در خارج بلد تلقاء وجه مشغول است و آنچه هم در این مقامات نازل شده در نظر نیست

اینکه در بارهٴ جناب حاجی محمّد که از منتسبین جناب میهمان علیها بهآء اللّه است مرقوم داشتید قد عرضت و سمعت من لسان العظمة ما یکفیه بدوام الملک و الملکوت انّ الخادم یکبّر علیه و یبشّره بعنایة اللّه المقتدر المهیمن الغفور الکریم

و ما ذکرتم فی ضلع جناب محمّد قبل علی علیه بهآء اللّه قد عرضته لدی الوجه و اجاب المقصود بما خضع له ما نطق به السن العالم و تحرّک علیه القلم فی ازل الآزال و هذا ذکر یظهر علی شأنی والّا ما لی و ذکر من لم یعرفه احد من الممکنات تعالی تعالی عن وصفی و وصف فوقی آن ورقه را بشارت دهید بذکر الهی

قد حضر الخادم لدی الوجه و عرض ما عرضه من سمّی بمحمّد قبل صادق فلمّا سمع المقصود قال و قوله الأحلی طوبی له بما نطق بالمعروف و ذکر ما ینبغی ذکره نعیماً له و لمن توجّه به فی سبیل اللّه یا زین امثال این عمل لدی المظلوم بسیار محبوبست کبّر علیهما من قبلی و بشّرهما بذکری قل یا خادمی علیک بهائی یا حسن انّک سمعت و عملت ما نطق به لسان اللّه من قبل بقوله احسن کما احسن اللّه الیک انّا نذکر احبّآء اللّه فی هناک و نکبّر علیهم و نصلّی علی من تمسّک بالتّقوی و عمل بما امر به فی الکتاب بشّرهم و ذکّرهم انّ ربّک لهو العزیز الوهّاب البهآء علیک و علیهم و علی امائی اللّائی آمنّ باللّه ربّ الأرباب انتهی

عرض دیگر چون مخصوص جناب آقا میرزا عبداللّه علیه بهآء اللّه و الطافه لوح امنع اقدس از سماء مشیّت نازل دیگر این عبد جسارت ننمود و البتّه این عذر مقبول است نسأله تعالی بأن یؤیّدنا علی خدمة امره فی کلّ الأحوال خدمت ایشان و دوستان و اسرآء اللّه آن ارض ذکر فنا و نیستی از این عبد معلّق و منوط بعنایت آن حضرتست انشآء‌اللّه کل بکمال فرح و سرور و ایقان و اطمینان از بحر عرفان بنوشند و بذکر دوست یکتا مشغول باشند البهآء علی حضرتکم و علی الّذین یسمعون قولکم و بیانکم فی امر اللّه مالک الوجود

عرض دیگر در بارهٴ حضرت اسم اللّه اصدق علیه من کلّ بهآء ابهاه این بیان امنع اقدس در این حین نازل قوله عزّ کبریائه انّا نذکر اسمنا الأصدق الّذی دار البلاد الی ان حضر لدی الباب و سمع ما سمعه الکلیم فی طور العرفان من لسان عنایة ربّه الرّحمن طوبی له و لمن ذکره بما نزّل من القلم الأعلی من لدی اللّه فاطر السّمآء و مالک الأسمآء انتهی

خ‌ادم

٣ ربیع‌الثّانی سنهٴ ١٢٩٨

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر